

عمو حسین گاو و شیرده بزرگی داشت. این گاو، شیر همه خانواده را فراهم می کرد. عمو حسین بیشتر اوقات مقداری از شیر گاو را می فروخت. گاو عمو حسین شاخهای بلندی داشت. هر وقت که خشمگین می شد، به هر کس و هر چیز که نزدیکش بود شاخ می زد. عمو حسین بارها خواسته بود نصف شاخهای او را ببرد، ولی هر بار کاری پیش آمده بود.

گاو عمو حسین يك گوساله داشت.

يك روز تابستان عمو حسین به دخترش گفت: مریم جان، این گاو و گوساله را کنار رود خانه ببر تا بچرند.

مریم گاو و گوساله را کنار رود خانه بُرد. آنها مشغول چرا شدند. مریم هم مشغول بازی شد. چند دقیقه بعد مریم دید که حیوانی در میان بوته ها می جُنبَد. خیال کرد که سگشان ”گرگی“ است. صدا کرد: گرگی! گرگی!

ناگهان گاو به طرف مریم و گوساله دوید. مریم از ترس به درختی تکیه داد. گوساله جلو او ایستاد. گاو هم پستش را به آنها کرد. سرش را پایین انداخت، یاپاهایش مشغول کندن زمین شد و خود را برای حمله آماده کرد. حیوانی که در میان بوته ها بود، گرگ بود، نه گرگی.

گرگ يك بار به سرِ گاو پرید. ولی فوری به عقب جست. معلوم بود که نوك شاخ گاو شکمش خورده است. مریم از ترس به درخت چسپیده بود و فریاد می کرد. دهقانان که در آن نزدیکی ها مشغول کار بودند، صدای مریم را شنیدند و به کمک آنها شتافتند.

همین که چشم گرگ به مردم افتاد پابه فرار گذاشت و در میان بوته ها ناپدید شد. عمو حسین از نجات یافتن دختر و گاو و گوساله اش بسیار خوشحال شد. فهمید که خدا چیزی را بیهوده نمی آفریند. خدا را شکر کرده که شاخ گاو را نبَریده است.

فرهنگ (Glossary) :

many times	کئی مرتبہ، ہمیشہ	بارہا
they graze	وہ چرتے ہیں	بچرند
useless	فضول	بیہودہ
why	کیوں	چرا
To get angry	غصہ ہونا	خشمگین شدن
farmers, villagers	دھقان = کسان	دھقانان (جمع)
they hurried/rushed	دوڑے	شتافتند
to butt	سینگ مارنا	شاخ زدن
river	دریا	رود خانہ
reliance	بھروسہ، اعتماد	تکیہ
let to escape	بھاگ جانا/فرار ہونا	فرار (پا بہ فرار گذاشتن)
disappear	غائب، اوجھل	ناپدید
disappeared	غائب ہو گیا	ناپدید شد
shout, cry	شور	فریاد
rescue, relief	رہائی	نجات



پُرسش / Exercise



- (۱) گاوِ عمو حسین چہ فایدہ ای داد؟
- (۲) گاوِ عمو حسین چہ عیبی داشت؟
- (۳) اسمِ سگِ مریم چہ بُود؟
- (۴) گاو چہ وقتی شاخ می زد؟
- (۵) گاو چطور گرگ را عقب راند؟
- (۶) دھقانان از کجا فهمیدند کہ مریم در خطر است؟
- (۷) چرا عمو حسین خدا را شکر کرد؟

